

بررسی روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی: بنابر آراء ابوسعید ابوالخیر

دکتر سیدهاشم حسینی*

استادیار باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی، دانشکده علوم انسانی (پردیس نمین)، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۳/۱۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۲/۵)

چکیده:

در طول دوره اسلامی ایران، مجموعه بناهای آرامگاهی فاخری ساخته شده که گروه ویژه‌ای را در معماری تشکیل می‌دهند. هسته اولیه شکل‌گیری مجموعه‌های مزبور تدفین یک فرد شاخص مذهبی یا سیاسی بوده و سپس در همان زمان یا در طول زمان‌های بعدی بناهای جانبی دیگری مانند مسجد، مدرسه، خانقاه، کاروانسرا و ... به مقبره افزوده شده است. نکته قابل توجه در مورد این مجموعه‌ها بخصوص مجموعه‌های آرامگاهی مذهبی، تاثیر اساسی آنها بر روند شکل‌گیری و گسترش بسیاری از شهرهای ایران دوران اسلامی است، بدین معنا که در اغلب موارد مجموعه‌های مزبور هسته اولیه و مرکز ثقل تشکیل یک شهر شده‌اند. با توجه به اهمیت بنیادین این مجموعه‌ها در معماری ایران دوران اسلامی، کنکاش و پژوهش در ابعاد مختلف مبدا و نحوه پیدایش و مبانی اعتقادی شکل‌گیری و توسعه آنها از اهمیت فراوانی برخوردار است. تحقیق حاضر بر آن است تا با تعیین تاریخچه زمانی ظهور این فرم از معماری بر اساس یکی از مهم‌ترین منابع ادبی و تاریخی، عوامل مؤثر بر تکوین و توسعه آن را ردیابی نماید تا بدین وسیله به شناختی دقیق‌تر و جامع‌تر از معماری مذهبی ایران دست یابد. با توجه به یافته‌های تحقیق، ابداع این شیوه در معماری ایران، به احتمال قریب به یقین با جریانات تصوف و بخصوص شخص ابوسعید ابوالخیر صوفی بزرگ قرون چهار و پنج هجری ارتباط دارد که این ارتباط از جهات مختلف قابل بررسی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

مجموعه‌های آرامگاهی، معماری اسلامی ایران، تصوف، ابوسعید ابوالخیر.

مقدمه

می‌دهند، احتمالاً نخستین مجموعه‌هایی بودند که در ایران دوره اسلامی برپا شدند. گسترش چنین مجموعه‌هایی، ارتباط مستقیمی با گسترش مذهب و اعتبار و احترام صاحب مدفن و تقدس و احترام وی دارد، بدین معنا که با گسترش مذهب و اعتبار و احترام صاحب مدفن، به مرور زمان بر حجم و ارزش هنری و معماری بناهای ساخته شده نیز افزوده شده است. این مجموعه‌ها همواره بصورت زیارتگاه مورد علاقه‌ی مردم بوده و مردم محل در مواقع مشکلات، مریضی و ... به این مزارها رفته و با واسطه قرار دادن آنها نزد خدا سعی در تسکین آلام و حل مشکلات خود داشته و دارند.

سابقه شکل‌گیری مجموعه‌های مزبور و عوامل دخیل در پیدایش این نوع از بناها در معماری دوران اسلامی ایران با ابهامات فراوانی روبروست بطوریکه بصورت دقیق و مشخص نمی‌توان مقطع زمانی خاصی را برای آغاز ساخت آنها در نظر گرفت. از جمله دلایل این ابهامات می‌توان به حملات مکرر به سرزمین ایران اشاره کرد که بسیاری از آثار و ابنیه این دوران را با نابودی مواجه ساخته است. هدف تحقیق پیش رو، ارزیابی و کنکاش یکی از منابع ادبی در راستای پاسخ به سؤالات فوق است. چنین به نظر می‌رسد که با بررسی منابع تاریخی و ادبی دوران اسلامی می‌توان بسیاری از ابهامات مربوط به هنر و معماری دوران اسلامی را بصورت علمی و مستند پاسخ داد. از جمله این منابع، کتاب بسیار ارزنده محمد بن منور مؤلف قرن ۶ ه.ق به نام اسرار التوحید است که می‌شود از آن بعنوان زندگینامه شیخ ابوسعید ابوالخیر یاد کرد. اما پیش از پرداختن به نقش ابوسعید ابوالخیر در تکوین مجموعه‌های آرامگاهی لازم است با تاریخچه و سیر تحول این دسته از بناها در ادوار مختلف اسلامی ایران بیشتر آشنا شویم.

در معماری دوره اسلامی ایران علاوه بر مجموعه بناهای عام المنفعه شهری همچون مجموعه گنجعلیخان^۱، مجموعه ابراهیم خان کرمان^۲ و مجموعه وکیل شیراز^۳ که توسط افراد شاخص سیاسی یا متمول یک دوره خاص برای استفاده عامه مردم ساخته شده و شامل بناهایی چون کاروانسرا و بازار، حمام و ... می‌شود، مجموعه بناهایی نیز وجود دارد که با تدفین یک فرد شاخص سیاسی یا مذهبی بوجود آمده اند. یعنی هسته اولیه شکل‌گیری آنها یک مقبره بوده و سپس در همان زمان یا در طول زمان‌های بعدی بناهای جانبی دیگری مانند مسجد، مدرسه، کتابخانه، آب انبار، خانقاه، زائرسرا، کاروانسرا و ... به آنها افزوده شده است. بکار بردن واژه آرامگاه مناسبت چندانی با مجموعه‌های بزرگ مزبور که چند بنای فرعی دیگر واقع در اطراف مقبره را دربرمی‌گیرد، ندارد. کاربرد این مجموعه‌ها شامل موارد متعددی چون عبادت، تدریس، قرائت قرآن و در مرحله بعد تدفین می‌شد و هزینه نگهداری و مخارج آنها از طریق موقوفاتی مانند املاک یا قنات‌هایی که برای آرامگاه و بقیه مجموعه در نظر گرفته می‌شد، تامین می‌گردید که همین امر بقای بناها را تا دوره معاصر سبب شده است. این مجموعه‌ها، معرف سبک‌های دوره‌های مختلف و شیوه‌های گوناگون معماری بوده و از نظر مطالعه تاریخ معماری اسلامی ایران دارای اهمیت زیادی هستند.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان مجموعه‌های مزبور را به دو دسته مذهبی و سیاسی تقسیم کرد. مجموعه‌های شاهان و سلاطین از جمله مجموعه‌های سیاسی و مجموعه‌های شیوخ متصوفه و مجموعه‌های خاص شیعی (چه برای امامان و چه برای امامزادگان و دیگر شخصیت‌های مهم شیعه) از جمله مجموعه‌های مذهبی به شمار می‌روند. مجموعه‌های آرامگاهی مذهبی که مهم‌ترین دسته مجموعه‌های آرامگاهی را تشکیل

۱- بررسی سابقه شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی

متعلق به دوره سامانی (کیانی، ۱۳۷۴، ۴۳) و مقبره ارسلان جاذب در سنگ بست مشهد که متعلق به دوره غزنوی است (کیانی، ۱۳۷۴، ۱۷۳) اشاره کرد. گنبد قابوس در دشت گرگان نیز از بهترین و قدیمی‌ترین نمونه‌های نوع برجی شکل است که در دوره آل زیار ساخته شده است (کیانی، ۱۳۷۴، ۴۵).

اما از اواخر دوره سلجوقی به بعد است که می‌توان نشانی از مجموعه‌های آرامگاهی متشکل از بناهای مختلف را در مقبره سلطان سنجر (حدود سال ۵۳۱ ه.ق) در شهر مرو یافت. این مقبره

روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در طول دوران اسلامی ایران یکنواخت نبوده و طی دوره‌های مختلف دارای فراز و نشیب‌های فراوان بوده است. با توجه به آثار برجای مانده از ابتدای دوران اسلامی تا قبل از دوره سلجوقی ردپایی از این مجموعه بناها دیده نمی‌شود اما سنت ساخت آرامگاه به دو صورت مربعی شکل گنبد دار و برجی شکل منفرد از رشد خاصی برخوردار بوده است. از شاخص‌ترین نمونه‌های نوع مربعی شکل می‌توان به آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در شهر بخارا که

است. هر چند که هیچیک از این مجموعه‌های آرامگاهی بر جای نمانده‌اند، اما می‌توان نوع بناها و مشخصات آنها را از لابلای کتب تاریخی همزمان و همچنین وقفنامه‌های آن دوره استخراج کرد. بعنوان مثال با توجه به وقفنامه برجای مانده، مجتمع رشیدالدین شامل چهار بنا یعنی مسافرخانه، خانقاه، دارالشفاء و مقبره‌ای با دو مسجد زمستانی و تابستانی می‌شده که در داخل حصار دیواری ضخیم قرار داشته و راه ورود به آن از طریق یک ورودی بزرگ میسر بوده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۲، ۱۴).

در ادامه این سنت، سلطان اولجایتو که پس از اسلام آوردن نام محمد خدا بنده را برای خود برگزیده بود نیز اقدام به ساخت بزرگ‌ترین مجموعه تدفینی و مقبره دوره اسلامی نمود. وی بنا به دلایل مختلف از جمله کسب شهرت و ماندگاری نامش، بدون در نظر گرفتن سایر عوامل لازم برای تکوین و گسترش یک شهر، اقدام به ایجاد شهر یا پایتخت جدید سلطانیه در نزدیکی شهر زنجان کنونی کرد و مجموعه آرامگاهی خود را مرکز ثقل این شهر قرار داد. مجموعه آرامگاهی مزبور که در داخل دیوارهای ارگ شهر جای داشت شامل مقبره، مسجد، مسافرخانه، دارالشفاء، خانقاه، مهمانخانه، دارالحفاظ، دارالسیاده، دارالقرائه، دارالحديث و بناهای دیگر می‌شد (کیانی، ۱۳۷۴، ۷۲) که در حال حاضر فقط مقبره عظیم آن با پلان هشت ضلعی برجای مانده است. ساخت آرامگاه مزبور را می‌توان نتیجه رقابت با آرامگاه‌های مربع شکل دوره سلجوقی دانست.

ساخت مجموعه‌های عصر ایلخانی فقط در انحصار سلاطین و وزرای آنان نبود، بلکه گاهی برای شخصیت‌های دیگر که مهم‌ترین آنها شیوخ صوفی و عرفای بزرگ بودند نیز مجموعه‌های فاخری ساخته شده که هزینه ساخت آنها را شاهان و بزرگان دربار ایلخانی و گاهی مریدان و شاگردان برعهده داشتند. مهم‌ترین این مجموعه‌ها، مقبره بایزید بسطامی (متوفی ۸۷۴ ه.ق) در شهر بسطام شاهرود و مقبره شیخ عبدالصمد اصفهانی (متوفی ۷۱۲ ه.ق) در شهر نطنز کاشان است. با توجه به وجهه مذهبی عرفای مزبور پس از مدتی این مجموعه‌ها بصورت زیارتگاه درآمد و این خاصیت را تا دوره معاصر نیز حفظ کرده‌اند که به نوعی نشان دهنده عزت و حرمت نهادن به بزرگان و عالمان دینی از سوی مردم ایران است.

سنت ساخت بناهای عام المنفعه در کنار مقبره طی دوره تیموریان نیز تداوم یافت. هر چند از مجموعه بناهای آرامگاهی این دوره در داخل مرزهای کنونی ایران به جز بناهای الحاقی گوهرشاد به حرم مطهر رضوی در شهر مشهد، آثاری در دست نیست اما چند مجموعه موجود در آسیای مرکزی و افغانستان کنونی نشان دهنده رونق ساخت این بناها طی این دوره است که مهم‌ترین آنها به مانند دوره ایلخانی، برای شاهان و صوفیان بزرگ ساخته شد.

بنا به گواهی نوشته‌های موجود، تیمور غنایمی را که از شکست حکومت مغولی موسوم به اردوی زرین بدست آورده

بخشی از مجموعه کاملی است که شامل کاخ و مسجدی می‌شده (اتینگهاوزرن و گرابار، ۱۳۷۸، ۳۸۳) و از این رو جزء نخستین مجموعه‌های آرامگاهی است که الگوی ساخت مجموعه‌های آرامگاهی ادوار بعدی گشته است. مقبره مزبور همچنین بزرگ‌ترین آرامگاه مربع گنبددار سلجوقی است که نسبت عرض آن به ارتفاع ۱:۲ است (کیانی، ۱۳۷۹، ۷۲).

بعد از دوره سلجوقی و بخصوص طی دوره ایلخانی با توجه به تغییر مذهب سلاطین مغول، شاهد تحولات گسترده‌ای در عرصه سنت تدفین هستیم. در این عصر ساخت مجموعه‌های آرامگاهی با الهام از اماکن مقدس و متبرک و مراکز علمی-آموزشی، که در واقع ترکیبی از مجموعه‌های علمی-مذهبی است، به یک سنت شهری و معماری تبدیل شده که از آن بعنوان ابواب البر یاد می‌شود. در واقع طی این دوره، ابواب البر جایگزین هسته مرکزی سابق یا کهنه، البته با رویکردی مذهبی گردید. همانگونه که از نام این پدیده نیز بر می‌آید، این مجموعه بناها، درگاه‌های نیکوکاری بودند که در هسته مرکزی شهر با عملکردهای مذهبی و علمی آموزشی با مرکزیت یک مقبره بنا می‌شدند. لذا می‌توان گفت مجموعه‌های آرامگاهی این عصر بر خلاف گذشته مکان و محلی برای ترویج تعقل و عبادت و فضیلت است که برای کسب درجات و در هر یک از زمینه‌های فوق، بناهای مورد نیاز را احداث می‌کردند. از جمله این مجموعه‌ها می‌توان به ابواب البر شنب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه اشاره نمود (شکاری، ۱۳۸۴، ۷۶).

ساخت مجتمع تدفینی موسوم به شنب غازان یا غازانیه در حومه غربی شهر تبریز بزرگ‌ترین برنامه معماری غازان خان در دوره ایلخانی بود. سلاطین اولیه دوره ایلخانی از رسوم تدفینی مغولان مبنی بر پنهان ساختن محل قبر خود پیروی می‌کردند، اما غازان که به آیین اسلام مشرف شده بود به پیروی از آداب ایرانیان مسلمان دستور ساخت بناهای وقفی و عام المنفعه را در پیرامون مقبره رفیع خود صادر کرد (بلر و بلوم، ۱۳۸۲، ۱۴). این مجتمع بنا به نوشته رشیدالدین در مجمع التواریخ از ۱۲ بنا شامل یک مسجد جامع، یک خانقاه، دارالسیاده یا مسافرخانه جهت پذیرایی از سادات، دارالشفاء، بیت الکتب یا کتابخانه، رصدخانه، بیت القانون یا مدرسه حکمت، حوضخانه یا چشمه آب، بیت المتولی یا کوشک، یک گرمابه و دو مدرسه برای طلاب علوم مذهبی شافعی و حنفی تشکیل شده بود (همدانی، ۱۳۷۳، ۸-۱۳۷۴). متأسفانه علیرغم وسعت و عظمت بسیار زیاد و همچنین نیت خیرخواهانه غازان در ساخت شنب غازان، امروزه آثار این بناها بطور کامل از بین رفته است.

از آنجایی که همواره منش و شیوه شاهان و سلاطین مورد تقلید و استقبال اطرافیانشان قرار گرفته، جای تعجب نیست که خواجه رشیدالدین بعنوان یکی از بزرگ‌ترین وزرای عهد ایلخانی نیز از این شیوه تبعیت کرده و دستور ساخت مجتمع آرامگاهی مشابهی را در حومه شرقی شهر تبریز برای خود صادر کرده

حاضر از این بناها تنها دو مناره و مقبره با گنبد دو جداره بلند عصر تیموریان برجای مانده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۲، ۷۰). از دیگر مجموعه های آرامگاهی عصر تیموریان می توان به مجموعه آرامگاه صوفی بزرگ خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه واقع در چند کیلومتری شمال شرق شهر هرات که طی سال های ۸۲۹ تا ۹۰۱ ه.ق بدستور شخص شاهرخ ساخته شد و مجتمع آرامگاهی عشرتخانه که در حدود سال ۸۶۹ ه.ق توسط همسر الغ بیگ تیموری برای زنان و فرزندان خاندان تیمور ساخته شد، اشاره کرد.

از دوره صفوی به بعد سنت آرامگاه سازی نسبت به ادوار قبلی اسلامی سیر نزولی پیمود و مقابر غیر مذهبی جای خود را بطور کامل به قبور مقدسین داد (کیانی، ۱۳۷۹، ۷۷). اما در رابطه با مجموعه های آرامگاهی می توان گفت که طی این دوره هیچ مجموعه جدیدی برپا نشد اما کارهای عمرانی زیادی در رابطه با مجموعه های موجود صورت گرفت. بعنوان مثال از مهم ترین طرح های شاه عباس اول صفوی بازپیرایی و زیباسازی مجموعه آرامگاه امام رضا (ع) در شهر مشهد بعنوان مهم ترین مجموعه آرامگاهی مذهبی واقع در داخل مرزهای ایران بود. کار بازسازی این مجموعه با اختصاص موقوفات زیاد به آن در سال ۱۰۲۳ ه.ق به اوج خود رسید (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲، ۳۵۲). از مجموعه های دیگر که طی این دوره اقدامات فراوانی در رابطه با آنها صورت گرفت می توان به مجموعه حضرت معصومه (س) در قم، مجموعه حضرت عبدالعظیم در ری، مجموعه شاهزاده حسین در قزوین، مجموعه مشهد اردهال و مجموعه محمد هلال هر دو در کاشان و مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی در اردبیل اشاره کرد. در دوره های افشاری و قاجار نیز همین رکود ادامه یافت. بطوریکه از دوره نادر شاه فقط در مجموعه حرم رضوی مشهد اقدامات مختصری مانند ساخت یک گلدسته طلایی صورت گرفت (کیانی، ۱۳۷۴، ۱۷۲). و شاهان قاجار نیز که بانی هیات فعلی حرم حضرت معصومه (س) در قم بودند (کیانی، ۱۳۷۴، ۱۶۹). و برخی اقدامات مختصر دیگر در حرم رضوی و حرم عبدالعظیم حسنی ری انجام دادند.

۲- علل تشکیل مجموعه های آرامگاهی

در مورد علل تشکیل مجموعه های آرامگاهی تحقیقات زیادی صورت نگرفته است. یکی از معدود محققانی که در این زمینه نظراتی را ارائه کرده، پروفیسور هیلن براند^۴ می باشد که در زمینه معماری دوران اسلامی، تالیفات و مقالات فراوانی ارائه کرده است. ایشان تشکیل مجموعه های مزبور و بعبارتی بافت چند بنیادی این آرامگاه ها را نتیجه دو عامل اساسی زیر می داند:

۱- عکس العملی در مقابل نهی آزار دهنده ساخت مقبره از سوی دین اسلام

۲- تلاش برای گرامی داشتن وظایف مذهبی، آن هم در عین

بود، برای ساخت آرامگاه عظیمی بر روی قبر صوفی معروف، شیخ احمد یسوی (متوفی ۵۶۲ ه.ق) بکار برد (تصویر شماره ۱). مجموعه آرامگاهی فوق به جز بنای مقبره، اتاق های فرعی خدماتی و بناهایی چون مسجد، آشپزخانه، حمام، کتابخانه و اتاق ذکر و مراقبه، فضای جانبی عمارت را به خود اختصاص داده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۲، ۶۰).

از دیگر مجموعه های آرامگاهی دوره تیموریان می توان به گورستان شاه زنده اشاره کرد. انگیزه اصلی انتخاب محل این گورستان در سمرقند بعنوان گورستان اولیه اعضای خانواده سلطنتی بخصوص زنان خاندان تیموریان، وجود مقبره (احتمالاً جعلی) ابن عباس یکی از یاران پیامبر بود (هیلن براند، ۱۳۷۷، ۳۲۲). مجموعه فوق علاوه بر قبور متعدد و مدرسه و زیارتخانه، شامل دروازه باشکوهی می شده که به دستور الغ بیگ تیموری ساخته شده است (هیل و گرابر، ۱۳۷۵، ۶۹).

دیگر مجموعه آرامگاهی این عصر مجموعه گور امیر است که در شهر سمرقند، پایتخت افسانه ای تیمور بنا شده است. گور امیر که امروزه مدفن امیر تیمور است را پیش از سال ۸۰۴ ه.ق یعنی ۴ سال قبل از مرگ تیمور بعنوان مدرسه ساختند اما مرگ نابهنگام محمد سلطان، نوه و جانشین تیمور در سال ۸۰۶ ه.ق، موجب شد وی را در آنجا دفن کنند (علام، ۱۳۸۲، ۲۰۷). وقتی تیمور در سال ۸۰۷ ه.ق پس از جهانگشایی در غرب ایران به سمرقند بازگشت دستور ساخت مقبره کنونی را صادر کرد. پس از مرگ تیمور، فرزندش شاهرخ میرزا وی را در آنجا به خاک سپرد و الغ بیگ نوه تیمور نیز آن را بصورت آرامگاه سلطنتی تیموریان درآورد. نقشه اصلی این مجتمع، بصورت در ورودی متصل به یک حیاط با یک مدرسه در شرق و خانقاهی در غرب می باشد ولی آنچه امروزه از آن باقی مانده، مقبره و بناهای مجاور در جنوب آن است (بلر و بلوم، ۱۳۸۲، ۶۵).

اما اوج ساخت اینگونه بناها مربوط به اواسط دوره تیموریان یعنی همزمان با حکومت شاهرخ تیموری است. شاهرخ فرزند و جانشین تیمور با کمک همسر توانای خود گوهرشاد (متوفی ۸۶۲ ه.ق) در نیمه نخست قرن نهم هجری خراسان را بعنوان یکی از کانون های نوآوری معماری مطرح ساخت. گوهرشاد در نتیجه افزایش زائران حرم مطهر امام رضا (ع) و جهت ایجاد جایگاهی برای آنها، دستور ساخت مسجد جامعی عظیم به همراه تالارهای دارالسیاده و دارالحفاظ را صادر کرد. معمار قوام الدین شیرازی، این مسجد بزرگ را در کنار اتاق مقبره ساخت و دو تالار را در فضای موجود برپا ساخت (بلر و بلوم، ۱۳۸۲، ۶۸). بناهایی چون مدرسه پریزاد، دودر و میرزا جعفر نیز از دیگر آثار دوره تیموریان در مجموعه رضوی است. گوهرشاد همچنین دستور ساخت یک مجموعه آرامگاهی بزرگ را در شهر هرات باز هم به معماری قوام الدین شیرازی صادر کرد. مجموعه فوق که اتمام آن حدود ۲۰ سال بطول انجامید شامل یک آرامگاه سلطنتی، یک مسجد جامع بزرگ مستطیلی شکل و یک مدرسه بود. اما در حال

بزرگان و صاحب منصبان دوره سلجوقی نیز به شیخ ارادت داشته‌اند. سلجوقیان در خراسان از آغاز روی کار آمدن با اقبال و توجه بی سابقه مردم به صوفیه و اعتقاد به کرامات بسیاری که به آنها نسبت داده می‌شد، مواجه شدند و به سبب همین قبول عام بزودی تحت تاثیر معتقدات مردم واقع گردیدند بطوریکه به نوشته اسرار التوحید، وزیر طغرل سلجوقی، ابومنصور ورقانی و برادر او ابراهیم ینال و چغری بیگ و شخص سلطان نسبت به ابوسعید اعتقاد و ارادت داشته و برای کسب پیروزی به زیارت او می‌رفته‌اند (میهنی، ۱۳۷۶، ۱۵۶ متن). همچنین در این کتاب، وزیر بزرگ آل سلجوق یعنی خواجه نظام الملک طوسی مرید ابوسعید ابوالخیر معرفی شده و از زبان او نقل شده که گفته است: "من هرچه یافتم از شیخ ابوسعید یافتم" (میهنی، ۱۳۷۶، ۹۰ متن).

علاوه بر تاثیرات معنوی، شخص ابوسعید در ابداع برخی از ویژگی‌های نظام تصوف که در نهایت منجر به پیدایش مجموعه بناهای عام المنفعه در کنار بنای مقبره یا آرامگاه شد نیز بصورت مستقیم و غیر مستقیم نقش اساسی و محوری ایفا کرده‌است. این نقش از جهات مختلفی قابل بررسی است، هم از جهت افکار و منش وی در رابطه با زیارت تربت بزرگان و دستگیری از بینوایان و ابداعاتی که در دوره حیات خود در نظام تصوف بنیانگذاری کرد و هم از جهت تاثیراتی که مقبره وی پس از وفاتش بر ساخت مجموعه‌های مشابه آن ایفا کرد. یکی از مهم ترین منابع کسب اطلاعات ما از دوره ابوسعید کتاب اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید ابوالخیر تالیف نوه او به نام محمد بن منور است که حدود یک قرن بعد از حیات شیخ نوشته شده است. مهم ترین تاثیرات شیخ در بوجود آمدن مجموعه‌های آرامگاهی با استناد به مطالب کتاب اسرار التوحید و برخی دیگر از کتب عبارتند از:

۴-۱- تاثیر نظام خانقاه‌های ابداعی ابوسعید

اصطلاح خانقاه معرب خانگاه، مرکب از خانه و گاه (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل کلمه خانقاه) بر یک واحد مسکونی که در آن چندین خانه کوچک (خانک) وجود دارد، اطلاق می‌شده و جمع آن را خانک یا خانکاهات می‌گفته‌اند (میهنی، ۱۳۷۶، ۱۳۲ مقدمه). اساس و بنای خانقاه برای این بوده که درویشان بی مسکن بخصوص فقرای صوفیه جای و منزل و خوراکی داشته باشند و مصرف عمده موقوفات این خانقاه‌ها همین اطعام فقرا و دراویش بوده است.

از دیدگاه نویسندگان قریب به عصر ابوسعید، وی بنیانگذار تصوف و همچنین نظام خانقاه بوده است، چنانکه علی بن حسن هجویری از معاصران ابوسعید در کتاب کشف المحجوب، ابوسعید را "شاهنشاه محبان و ملک الملوک صوفیان" نامیده (هجویری، ۱۳۷۵، ۲۰۶) و عبدالغافر در سیاق (تالیف ۵۱۰هـ.ق) ضمن بیان احوال ابوسعید، وی را نخستین کسی می‌داند که خانکاهات را و نشستن در آن و لزوم ادب و طریقت

نادیده گرفتن آنها.

با توجه به این نظر، رایج ترین شیوه برای مقابله با نهی اسلامی ساخت مقبره، این بود که آرامگاه را بخشی از یک مجتمع عمومی جلوه دهند. با این کار آرامگاه به شکل مؤثری رنگ تقدس به خود می‌گرفت که این تقدس نشات گرفته از بناهای فرعی مجاور آن مانند مسجد، مدرسه، رباط و... بود. بعبارت دیگر در صورتیکه بناهای اطراف آرامگاه در جهت رفاه مادی و معنوی جامعه مسلمین قرار داشت، خشم مقدس مآب‌ها را برنمی‌انگیخت (هیلن براند، ۱۳۷۷، ۳۱۹).

لازم به ذکر است که مطابق منابع اسلامی انسان پس از مرگ نیز می‌تواند با به جای گذاشتن بناهای عام المنفعه و به عبارتی باقیات الصالحات، صواب و آمرزش جاری و ابدی نصیب خود کند، بنابراین در نظر کسانی که مشتاق جاوید ساختن نام خود بودند و در عین حال می‌خواستند دینداری خویش را نشان دهند و یا با شرکت در کارهای خیر، کفاره گناهان خود را بپردازند، احداث چنین بناهایی در اطراف مقبره شان، بهترین روش ممکن برای نیل به اهدافشان به شمار می‌رفت. اگر چه ممکن است این نظریه در تشکیل مجموعه‌های آرامگاهی بخصوص در نوع سیاسی و غیر مذهبی آن تا حدودی مصداق داشته باشد اما به نظر نمی‌رسد که دلایل فوق به تنهایی منجر به ساخت این مجموعه‌ها شده باشد و برخی عوامل تاریخی و عرفانی دیگر می‌بایست نقش مهم تری در این زمینه ایفا کرده باشند که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۳- بررسی نقش ابوسعید ابوالخیر در تشکیل این مجموعه‌ها

ابوسعید ابوالخیر (۴۴۰-۵۲۵هـ.ق) یکی از بزرگ ترین مشایخ صوفیه، از مردم روستای میهنه ناحیه خابران در خراسان قدیم است که دوران حیاتش با بخش‌هایی از ادوار غزنوی و سلجوقی مصادف بوده است. این صوفی بزرگ در سایه روشن بینی و خردمندی خاص خود و نشر اخلاص و ترویج ایثار، نقشی اساسی در تربیت مردم ایفا کرده و تاثیر شگرف و قابل ملاحظه نه تنها در میان مردم روزگار خود بلکه در میان مردم قرون و اعصار بعد از خویش بر جای نهاده است. وی با رفتار و منش نیکو، روح مردم روزگار خود را چنان مسخر ساخته بود که بنا به نقل یکی از شاگردانش "مریدان می‌آمدند و توبه می‌کردند و همسایگان نیز از حرمت ما خمر نمی‌خوردند. پوست خربزه که از دست ما افتادی بیست دینار می‌بخردند و یک روز ما شدید بر ستور نشسته، آن ستور نجاست افکنده مردمان می‌آمدند و نجاست را بر سر و روی خود می‌مالیدند" (میهنی، ۱۳۷۶، ۲۵ متن).

این اعتقاد فقط مربوط به مردم عادی نبوده بلکه بسیاری از

در شهر بغداد اقدام به ساخت یک خانقاه کرده که قسمت های مختلف آن به روایت بوسعد دادا بدین صورت ذکر شده است: "... چهار دیوار خانقاه برآوردیم و در خانقاه بر نهادیم و صفا ای بزرگ نیکو و جماعت خانه ای خوب و متوضا (وضوخانه) و مطبخ (آشپزخانه) تمام کردم و مسجد خانه ای بزرگ عمارت کردم و همه را درها بر نهادیم و دیگر بناها و حجره ها را بنیاد بنهادیم..." (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۵۷ و ۳۵۸ متن). و در ادامه می افزاید: "... و خانقاهی سخت نیکو با همه مرافقی (وسایل آسایش) از حمام و حجره ها و جماعت خانه ها و غیر آن - تمام کردم و فرش های نیکو و اسباب مطبخ و هر چه در بایست آن بود، جمله بساختم و در خانقاه بازاری با دوکان ها و کاروانسرای و خراس (آسیاب) و حمام و غیر آن ترتیب کردم و خدمتی نیکو می کردم و از اطراف عالم صوفیان روی بدین بقعه نهادند و آن آوازه در جهان منتشر شد که بوسعد در بغداد چنین بقعه ای بساخته است از جهت متصوفه و خدمتی می کند که درین عالم کس نکرده است..." (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۵۸ متن). و جالب توجه اینکه همین خانقاه بعداً هسته شکل گیری یک بخش از شهر شده است: "... و بیشتر از مردمان به جوار من رغبت کردند و در پهلوی خانقاه من سراها ساختند چندانک آن موضع شهر انبوه گشت" (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۵۹ متن).

پیدایش خانقاه در نظام تصوف نقش مهمی در بوجود آمدن بناهای عام المنفعه برای بینوایان و افراد تهیدست جامعه داشته است، بطوریکه لزوم فراهم آوری وسایل رفاهی و معیشتی در اویش و فقرا منجر به ساخت حمام، آشپزخانه، آسیاب، کاروانسرا، بازار، مسجد و... در کنار خانقاه شد. هر چند که این بناها در ابتدای امر در کنار خانقاه ها جای داشتند اما پس از فوت ابوسعید بناهای مزبور توسط مریدان و فرزندان در کنار مقبره او جای داده شد تا سنت و وصیت شیخ مبنی بر دستگیری از فقرا و در اویش باقی بماند. این بناها بزودی و به مرور زمان بعنوان یک سنت و اصل تصوف در اطراف خانقاه ها و مقابر مشایخ متصوفه جای گرفتند.

۴-۲- تأثیر اعتقادات ابوسعید در خصوص زیارت

ابوسعید در روز پنج شنبه چهارم شعبان ۴۴۰ ه. ق درگذشت و در زادگاهش میهنه در صومعه اش که در سرای وی بود به خاک سپرده شد (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۴۸ متن). در حال حاضر مزار ابوسعید در جمهوری ترکمنستان قرار دارد (تصاویر ۲ تا ۴).

با توجه به مطالب و حکایات اسرارالتوحید مشخص می شود که شیخ ابوسعید اعتقاد خاصی به زیارت قبور بزرگان دینی و مشایخ داشته است. این اعتقاد که احتمالاً ریشه در مذهب شافعی وی داشته در شکل گیری مجموعه آرامگاهی وی و در نهایت سایر مجموعه های مشابه، بی تأثیر نبوده است. لازم به ذکر است که شافعی ها (پیروان محمد بن ادریس شافعی ۱۵۰-۲۰۴ ه. ق)

(سیر و سلوک) و قیام و قعود را به گونه یی که تا آن روزگار جاری بوده، سنت نهاده است. زکریای قزوینی نیز در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد (تالیف ۶۶۱ تا ۶۷۴ ه. ق)، ذیل کلمه خاوران، ابوسعید را بعنوان کسی معرفی می کند که طریقه تصوف را نهاد و خانقاه ساخت و در هر روز دو بار خوان گسترده قزوینی همچنین همه آداب صوفیان را منسوب به ابوسعید و همه مشایخ صوفیان را شاگردان او دانسته است (دامادی، ۱۳۷۴، ۳۰ و ۳۱). شمس تبریزی نیز ضمن گفتاری، داستانی نقل کرده و می گوید: "بوسعید جمعی را دید و هفته ای در حیرت ایشان بود، یکی از ایشان از وی چیزی خواست. بوسعید بزودی آن چیز را فراهم آورد و چون نزد شاه قبولی داشت، شاه به او گفت: موضعی بساز که این طایفه که ایشان را پروای پختن و ساختن نیست، چیزی حاضر باشد، وقتی حاجتشان باشد" (شمس تبریزی، ۱۳۵۶، ۲۴۱). اشاره شمس تایید دیگری است بر اینکه مقام بوسعید بعنوان مؤسس نظام خانقاه در نظر معاصران او نیز امری مسلم بوده است.

با توجه به اینکه نظام تصوف قبل از بوسعید وجود داشته و مراکز تجمع صوفیه به نام دویره قبل از او سابقه دیرینه ای دارد، مفهوم سخنان عبدالغافر و شمس تبریزی و زکریای قزوینی، ظاهراً باید ناظر به این باشد که بوسعید اصولی را برای اداره خانقاه و نظام پرورش مریدان و اصحاب خانقاه ایجاد کرده است که قبل از وی به آن صورت در میان صوفیه رواج نداشته است (میهنی، ۱۳۷۶، ۱۳۴ مقدمه).

بر طبق منابع بر جای مانده، مستمعان و مستفیدان از مجالس ارشاد شیخ ابوسعید در خانقاه، بیشتر مردم عوام بودند. مردمی که خانقاه شیخ را تنها پناهگاه و ابوسعید را تکیه گاه روح خود یافته و شناخته بودند. زیرا ابوسعید معتقد بود که "به خدمت درویشان باید مشغول بود و خدمت ایشان را میان در باید بست" (میهنی، ۱۳۷۶، ۲۲۸ متن).

با توجه به کتاب اسرارالتوحید، خانقاه محل اقامت دایمی صوفیان و اقامت موقتی مسافران بینوا بوده است و به نوعی نقش مهمانخانه را نیز ایفا می کرده است: "شیخ گفت ای حسن، صوفیان چند تن اند؟ گفتم: صد و بیست تن اند، هشتاد مسافر و چهل مقیم" (میهنی، ۱۳۷۶، ۷۸ متن).

نظام خانقاهی ابداعی شیخ ابوسعید ظاهراً متشکل از مجموعه بناهای عام المنفعه ای بوده که برای رفع تمام نیازهای در اویش و مسافران ساخته می شده و به نوعی نیاز آنها را به بیرون از فضای خانقاه کم می کرده است. از جمله این بناها می توان به حجره ها، وضوخانه و آشپزخانه در زمان حیات شیخ و مسجد، کاروانسرا، بازار، حمام و... پس از توسعه خانقاه ها بعد از وفات ابوسعید اشاره کرد. پس از وفات ابوسعید، نظام خانقاهی وی توسط صوفیان و مریدانش مورد اقتباس قرار گرفت و در سرتاسر جهان اسلام گسترش و تکامل یافت. بنا به نوشته محمد بن منور، بوسعد دادا که یکی از مریدان ابوسعید بوده، بنا بر سفارش شیخ

سال زیادت خادم و پیر بقعه شیخ ما بوده است و همگان بر آن بوده اند که پس از شیخ ما قدس الله روحه العزیز کس خدمت درویشان چون او نکرد و آن توفیق که او را در عمارت آن بقعه مبارکه و نگهداشت دل جمع و غربا میسر گشت و دست داد کسی را دست نداده بود... " (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۷۰ متن).

این هم یک نمونه دیگر که نشان دهنده اقامت دائمی صوفیان و مریدان در مجموعه آرامگاهی شیخ بوده است: " ابوالفتح محمد بن علی الحداد گفت که پدر من سال‌ها خدمت شیخ بوسعید قدس الله روحه العزیز کرده بود و چون شیخ را وفات رسیده بود او باز آمده بود و به خانه بنشسته و هر سال یک دو بار به زیارت شیخ شدی به میهنه و من به دست وی، فرزندان و مریدان شیخ را - که ساکنان سرتربت او بودند - چیزی فرستادمی... " (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۷۴ متن).

مهم‌ترین کارها و مراسمی که در این مجموعه بصورت دائمی صورت می‌گرفته عبارت بوده از: اطعام فقرا و دراویش در دو نوبت صبح و شام، برگزاری نمازهای جماعت پنجگانه، روشن کردن شمع در شب، تلاوت قرآن کریم و مراسم خاص صوفیه مانند سماع و خرقة بازی و زیارت صوفیان و مردم عادی: "... و در مدت این صد سال... هرگز پنج نماز به جماعت و بامداد و شبانگاه سفره و هر روز بامداد بر سر تربت مقدس او ختم و هر شب تا به وقت خواب و سحرگاه تا به روز شمع و ترتیب مقریان [قاریان قرآن کریم] بامداد و شبانگاه و جمع صوفیان زیادت صد کس از فرزندان و مریدان او بر سر تربت مقدس او مقیم، فرونماند و... از اطراف جهان، بزرگان هر سال بدان حضرت بزرگوار می‌آمدند و پیوسته سماعها و خرقة بازیها می‌رفت... " (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۴۱ و ۳۴۲ متن).

۴-۳- تأثیر مزار ابوسعید در شکل‌گیری مجموعه‌های مشابه

با توجه به شهرت و مقبولیت شیخ، مقبره وی به یک کانون زیارتی بزرگ تبدیل شده بصورتیکه مشایخ متصوفه و سایر دوستداران حتی از دورترین نقاط جهان اسلام هم به زیارت آن می‌شتافته اند. حکایت‌های متعددی در باب زیارت و بازدید مشایخ متصوفه مانند زیارت استاد امام [ابوالقاسم قشیری] به‌همراه چهل تن از بزرگان متصوفه (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۶۳ متن)، زیارت شیخ بلفضل شامی که از بیت المقدس پیاده به زیارت تربت شیخ شتافته (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۶۹ متن) و زیارت شیخ مهدی پاروزی که پیر و مراد سلطان سنجر بوده (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۷۰ متن) در کتاب اسرارالتوحید ذکر شده است. حضور مشایخ فوق‌الذکر در مجموعه آرامگاه و خانقاه شیخ با انجام مراسم خاص صوفیه مانند خرقة بازی و سماع همراه بوده است. دور از ذهن نیست که زیارت بزرگان متصوفه از مجموعه شیخ ابوسعید منجر به تقلید از ساخت چنین مجموعه‌هایی برای صوفیان در سرتاسر جهان اسلام شده باشد.

خاصه شافعی‌های ایران از سه فرقه غالب اهل سنت و جماعت به ائمه شیعه بیشتر احترام می‌نمودند. از جانب دیگر اکثر سلاسل صوفیه، سلسله اسناد و نسبت خرقة خود را به برخی از ائمه شیعه، خاصه حضرت علی (ع) و امام رضا (ع) رسانیده اند (دامادی، ۱۳۷۴، ۲۱). و به همین مناسبت در باب زیارت قبور بزرگان دینی و معنوی نیز با پیروان مذهب تشیع شباهت‌هایی داشتند.

با توجه به کتاب اسرارالتوحید، ابوسعید به شهرهای مهم و معروف خراسان بر قدم تجرید و توکل، سفرهایی کرده و به زیارت تربت مشایخ و اولیاء پرداخته است. بعنوان مثال ضمن بیان حکایتی از زبان شیخ در همین رابطه می‌خوانیم: " پس ما قصد آمل کردیم و به جانب ابیورد و نسا بیرون شدیم که اندیشه زیارت تربت مشایخ می‌بود " (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۸ متن). مهم‌ترین این سفرهای زیارتی، سفر به بسطام جهت زیارت خاک بایزید بسطامی بوده است (میهنی، ۱۳۷۶، ۱۳۸ و ۱۳۹ متن). همچنین وی یک سفر به ده طرق از ناحیه بست نیشابور داشته که بر سر خاک یکی از پیران گمنام و فراموش شده به نام داد رفته و زیارت کرده است (میهنی، ۱۳۷۶، ۲۴۰ متن).

چنین به نظر می‌رسد که اندیشه‌های شیخ در خصوص کسب فیض و برخورداری از عنایات و کرامات تربت مشایخ و بزرگان دینی توسط شاگردان و مریدان ایشان مورد اقتباس قرار گرفته بطوریکه بعد از فوت شیخ، نظام خانقاهی ابداعی وی را در کنار مقبره اش برپا کرده اند. شواهد فراوانی دال بر حضور دائمی مریدان و صوفیان وابسته به مشرب تصوف ابوسعید در کنار آرامگاهش در شهر میهنه وجود دارد. همین حضور دائمی و الزامات خاص تصوف مانند سماع و سنت رسیدگی به دراویش و محتاجان، منجر به ساخت بنای خانقاه و دیگر بناهای عام‌المنفعه در کنار آرامگاه شیخ شده و به نوعی اولین مجموعه آرامگاهی متشکل از مقبره و خانقاه بعلاوه سایر بناهای جانبی آن شکل گرفته است. مجموعه مزبور در همان عصر و همچنین ادوار بعدی سرمشق مناسبی برای ساخت مجموعه‌های آرامگاهی مشابه توسط شاهان و سلاطین شد که اولین مورد آنرا می‌توان در مقبره سلطان سنجر در شهر مرو مشاهده نمود.

نکته جالب توجه کاربرد کلمه مشهد مقدس و مزار برای مقبره و خانقاه شیخ است که از قدیمی‌ترین موارد کاربرد این نام در رابطه با این بناها می‌باشد. مشهد مزبور موقوفاتی نیز داشته و غالباً تصدی و تولیت این موقوفات در دست خاندان شیخ بوده است و در طی قرون اسنادی از فرمان‌های پادشاهان مربوط به تصدی این موقوفات به نام افراد صادر شده است (میهنی، ۱۳۷۶، ۱۳۸ مقدمه). به استناد مطالب اسرارالتوحید، مقبره شیخ خادمان و مقیمان همیشگی داشته و افرادی بعنوان خادم و پیر بقعه که معمولاً از فرزندان یا نوادگان شیخ بوده اند، رتق و فتق امور مجموعه را بر عهده داشته اند. بعنوان مثال محمد بن منور در ضمن حکایتی می‌نویسد: "... و پدرم رحمه الله علیه سی

خروار از جهت تخم اسباب مشهد مقدس و... (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۵۱-۳۴۹ متن).

با توجه به نوشته های محمد بن منور این مشهد تا قبل از ویرانی آن در اثر حملات غزها به میهنه که نسبت به سایر نقاط خراسان صدمات شدیدتری را متحمل گشته، رونق کامل داشته است و از این تاریخ به بعد است که ساختمان های اطراف بقعه از جمله خانقاه و بناهای عام المنفعه آن از بین می رود: " تاکنون که حادثه غز و فتنه خراسان پدید آمد... در جمله بلاد خراسان هیچ موضع را درین حادثه آن بلا و محنت و آن خرابی و مشقت نبود که میهنه و اهل آن را" (میهنی، ۱۳۷۶، ۴ متن). و در جایی دیگر نوشته است: "... به سبب اختلاف و حدوث غارت و تاراج، مره بعد اولی و کره بعد اُخری، احوال میهنه چنان گشته بود که از آثار شیخ ما قدس الله روحه العزیز جز تربتی و مشهدی قایم نبود..." (میهنی، ۱۳۷۶، ۵ متن). با توجه به این نوشته مشخص می شود که آثار شیخ در میهنه بسیار مفصل تر از خود مقبره یا مشهد بوده و آنچه در حال حاضر برجای مانده بقایای مجموعه مفصل قبل از حملات ویرانگر غزها بوده است.

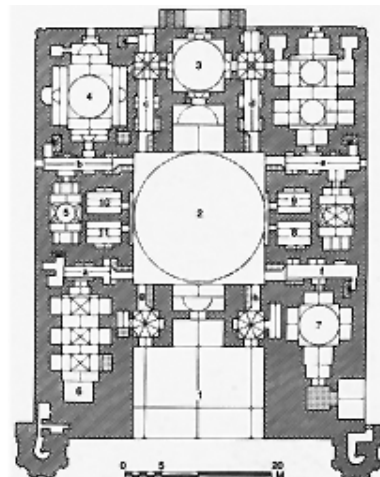
پس از اولین حمله غزها به میهنه و رهایی سلطان سنجر از دست آنها، مجدداً جمعی از فرزندان و مریدان شیخ برگرد مقبره وی جمع می شوند اما این وضعیت زیاد به طول نمی انجامد و با حمله دوم غزها برای همیشه این مجموعه ویران می شود: "... در میانه، سلطان سنجر رحمه الله علیه برفت و سلطان محمود بنشست و مصاف دندانقان به مرو با غزان اتفاق افتاد و دیگر بار لشکر سلطان شکسته و منهزم شدند و غزان دست یافتند و این بار به یکبارگی کار آن بقعه از دست بشد... " (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۵۱-۳۴۹ متن).



تصویر ۲- طرح ترسیمی پوگانچنکو از بقایای مجموعه آرامگاهی شیخ ابوسعید در میهنه ترکمنستان که در حملات ویرانگر غزها قسمتهای مختلف آن ویران شد.
ماخذ: (از کتاب "اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید"، تصحیح و تعلیقات شفیعی کدکنی)

بسیاری از شاهان و سلاطین معاصر شیخ و ادوار بعد از شیخ نیز به زیارت مجموعه آرامگاهی وی شتافته و احتمالاً تحت تاثیر رونق این مجموعه قرار گرفته اند. بعنوان مثال در کتاب اسرار التوحید حکایت زیارت سه روزه اتسز خوارزمشاه از تربت شیخ ابوسعید را می خوانیم (میهنی، ۱۳۷۶، ۳۷۸ و ۳۷۹ متن). جالب اینجاست که شخص غازان خان نیز که بنیانگذار مجموعه بناهای موسوم به ابواب البر در دوره ایلخانی است، از جمله زائران مزار ابوسعید ذکر شده است (میهنی، ۱۳۷۶، ۱۳۸ مقدمه). بعید نیست که غازان پس از زیارت مجموعه شیخ و سایر مجموعه های مشابه آن اقدام به ساخت بناهای ابواب البر کرده باشد. کما اینکه خواجه رشید الدین وزیر مقتدر دوره ایلخانی انگیزه ساخت بناهای ابواب البر را مربوط به بعد از بازدید غازان خان از مقابر و زیارتگاه های ائمه و عرفا و تقلید از آنها برای کسب ثواب دائمی و صدقه جاری پس از مرگ می داند (همدانی، ۱۳۷۳، ۱۲۸۲). این وضعیت و حرمت مشهد شیخ تا دوره تیموریان نیز پابرجا مانده است بطوریکه حافظ ابرو در قرن نهم ه.ق از گنبد سلطان ابوسعید ابوالخیر در شمار اماکن مهم ناحیه خراسان یاد می کند (حافظ ابرو، ۱۳۱۷، ۴۶۴).

نکته جالب توجه دیگر اینکه مجموعه آرامگاهی شیخ از طرف این سلاطین مورد حمایت بوده و مقرری هایی هم جهت تامین مایحتاج مقیمان و زائران آن در نظر گرفته می شده است... در آن وقت که سلطان شهید سنجر ملکشاه نورالله مضجع از دست غزان خلاص یافت و به دارالملک آمد... گفت: میهنه جای مبارک است و تربت شیخ موضعی که از آن عزیزتر و بزرگوارتر نتواند بود... پس هزار خروار غله فرمود از جهت تخم خابران و صد



تصویر ۱- پلان قسمتهای مختلف مجموعه آرامگاهی شیخ احمد یسوی در ترکستان: ۱- ایوان ۲- تالار مرکزی ۳- مقبره ۴- مسجد ۵- کتابخانه ۶- آشپزخانه ۷- اتاقی با یک چاه ۸ تا ۱۱- اتاقهای ذکر و مراقبه
ماخذ: (از کتاب "هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی" تألیف شیلا بلر و جانانان بلوم)



تصویر ۴- نمای بقایای ویران شده مجموعه آرامگاهی شیخ ابوسعید از سمت جنوب غربی که قسمتهای الحاقی به مقبره را شامل می‌شده است. ماخذ: (از کتاب "اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید"، تصحیح و تعلیقات شفیعی کدکنی)



تصویر ۳- نمای سردر ورودی ویران شده مجموعه آرامگاهی شیخ ابوسعید که دارای تزیینات مختلف آجرکاری، گچبری و کاشیکاری است. ماخذ: (از کتاب "اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید"، تصحیح و تعلیقات شفیعی کدکنی)

نتیجه

مشاهده این مجموعه‌ها به علل رونق و احترام خاص آنها در نزد مردم پی برده، سعی نمودند با احداث بناهای عام‌المنفعه در اطراف مقابر خود و اختصاص موقوفات بسیار برای آنها، آرامگاه خود را همواره دایر و پرونق نگه داشته و از خیرات و حسنات آن همواره بهره‌جویند.

بگواهی آثار موجود، ساخت چنین مجموعه‌هایی بطور همزمان، مورد اقتباس شیعیان نیز قرار گرفته و به مرور زمان مقابر ائمه اطهار و فرزندان و نوادگان آنها برای تبدیل به مراکز تبلیغی و مذهبی، شامل بناهای جانبی با کارکردهای مختلف شدند. لازم به ذکر است که تا پیش از قرن ششم هجری هنوز مجموعه‌های آرامگاهی شیعی از جمله مجموعه حرم رضوی در مشهد مقدس و مجموعه حضرت معصومه (ع) بصورت امروزی شکل نگرفته و صرفاً دربرگیرنده بنای مقبره بوده‌اند.

به لحاظ ادوار تاریخی ساخت مجموعه‌های آرامگاهی نیز می‌توان گفت که طی ادوار سلجوقی، ایلخانی و تیموریان مجموعه‌های مزبور بیشتر برای شاهان یا افراد برجسته حکومتی و صوفیان و عارفان بزرگ این ادوار ساخته شده و طی ادوار صفوی و قاجار اغلب اقدامات عمرانی و الحاقی در رابطه با مجموعه‌های ائمه معصومین و منتسبان به آنها و سایر شخصیت‌های مهم مذهب تشیع صورت گرفته است. همچنین طی دوره ایلخانان مغول با اوج ساخت این مجموعه‌ها مواجه هستیم، تا جایی که اصطلاح خاصی تحت عنوان ابواب البر در مورد آنها رایج می‌شود.

در پایان بحث، اهمیت بالای منابع و متون ادبی، تاریخی و جغرافیایی و... در تفسیر و تحقیق موضوعات مرتبط با هنر و معماری دوران اسلامی را یادآور شده و توجه جدی‌تر به این بخش از موارث فرهنگی و ملی کشورمان را، برای دستیابی به نتایج تحقیقی علمی‌تر خواستارم.

با توجه به یافته‌های تحقیق و آثار مجموعه‌های آرامگاهی برجای مانده چنین برمی‌آید که آغاز ساخت این نوع مجموعه‌ها در ایران از دوره سلجوقی به بعد ارتباط مستقیم با جریانات تصوف و بخصوص شخص ابوسعید ابوالخیر صوفی بزرگ قرون چهار و پنج هجری داشته است. این ارتباط هم از جهت ابداعاتی که وی در نظام تصوف بوجود آورد و هم از جهت اعتقادات شخصی وی که بر مردم ادوار بعد مؤثر واقع شد و هم از جهت الگوبرداری مشایخ متصوفه و شاهان و سلاطین از ساختار معماری آرامگاه وی و بناهای عام‌المنفعه واقع در کنار آن قابل بررسی است.

ساخت بناهای عام‌المنفعه در کنار خانقاه و سپس در کنار مقبره شیخ ابوسعید ریشه در ماهیت اجتماعی تصوف اسلامی یعنی نیکویی و احسان به مردم و رعایت برابری و برادری داشته است که از ارزش بالای اخلاقی و ذاتی دین اسلام برخاسته است. ابوسعید با تاسیس بناهای عام‌المنفعه و ارائه خدمات عمومی سعی می‌کرد زخم‌های مردم و جامعه را که در اثر زائلات اخلاقی اعضای ناصالح آن بوجود آمده بود، مرهم بنهد. بنا به شواهد متعدد نقل شده در کتاب اسرار التوحید این بناها پس از مرگ شیخ به همراه خانقاه در کنار مقبره وی برپا شده و به نوعی اولین مجموعه آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی شکل گرفته است.

با توجه به اینکه ابوسعید ابداع‌کننده اصول تصوف اسلامی و نظام خانقاها بوده، الگوی مجموعه آرامگاهی وی و قسمت‌های مختلف آن نیز به مانند سایر اصول تصوف مورد اقتباس و الگوبرداری مریدان و صوفیان ادوار بعد قرار گرفت بطوریکه از قرن ششم هجری به بعد جنازه مشایخ صوفیه اغلب در داخل خانقاه و در کنار بناهای وابسته به آن به خاک سپرده شده است. پس از صوفیان این‌گوا مورد اقتباس افراد سیاسی یا افراد فاقد جنبه مذهبی نیز واقع شد. بدین معنا که شاهان و سلاطین با

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ مجموعه گنجعلیخان از آثار دوره شاه عباس اول صفوی در مرکز شهر کرمان است که توسط گنجعلیخان حاکم وقت آن شهر ساخته شده است. مجموعه مزبور مشتمل بر میدان، مدرسه (کاروانسرا)، حمام، مسجد، آب انبار و ضرابخانه است.
- ۲ مجموعه ابراهیم خان از آثار دوره فتحعلیشاه قاجار است که توسط ابراهیم خان ظهیرالدوله حاکم وقت شهر کرمان ساخته شده است. این مجموعه دربرگیرنده مدرسه، حمام، آب انبار، بازار و خانه مدرس است.
- ۳ مجموعه وکیل شیراز واقع در محله درب شاهزاده شیراز از آثار کریم خان زند است که دربرگیرنده بناهایی چون مسجد، بازار، حمام، آب انبار و ... می باشد.
- ۴ Robert Hillenbrand.

فهرست منابع:

- اتینگهاوزرن، ریچارد و گرابار، الگ (۱۳۷۸)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات سمت، تهران.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۲)، مطلع الشمس، جلد اول و دوم، اهتمام تیمور برهان لیمو دهی، انتشارات فرهنگسرا، تهران.
- بلر، شیلا اس. و بلوم، جانانان ام (۱۳۸۲)، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی، جلد اول، ترجمه محمد موسی هاشمی گلپایگانی، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۱۷)، ذیل جامع التواریخ، انتشارات شرکت تضامنی علمی، تهران.
- دامادی، سید محمد (۱۳۷۴)، ابوسعیدنامه (در بیان شرح احوال و عقاید و افکار و روش زندگانی ابوسعید ابوالخیر)، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، دوره جدید، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- شکاری نیری، جواد (۱۳۸۴)، یافته‌هایی از طرح شب غازان پدیده شهری عصر ایلخانی به نام ابواب البر، مجله هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۲۴، ۸۱-۷۳.
- شمس تبریزی، محمد بن ملک داد (۱۳۵۶)، مقالات شمس تبریزی، تحقیق محمد علی موحد، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، تهران.
- علام، نعمت اسماعیل (۱۳۸۲)، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، ترجمه عباسعلی تفضلی، انتشارات شرکت به نشر، مشهد.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴)، پایتختهای ایران، چاپ اول، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹)، معماری ایران دوران اسلامی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- میهنی، محمد بن منور (۱۳۷۶)، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران.
- هجویری، علی بن حسن (۱۳۷۵)، کشف المحجوب، تصحیح و ژوکوفسکی، انتشارات طهوری، تهران.
- همدانی، خواجه رشید الدین فضل الله (۱۳۷۳)، جامع التواریخ، تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، ج دوم، ج اول، نشر البرز، تهران.
- هیل، درک و گرابر، الگ (۱۳۷۵)، معماری و تزیینات اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷)، معماری اسلامی (فرم، عملکرد و معنی)، ترجمه ایرج اعتصام، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.